



## مقدمه

التفات از جمله شاخصه های کلامی است که نشانه تغییر خطاب گوینده است و به سبب کاربرد فراوان، به یکی از اسلوب های ویژه قرآنی مبدل گشته. در این پدیده، گوینده به سبب برانگیختن تأثیرات بلاغی، مسیر خطاب خود را تغییر داده، و از زاویه ای دیگر کلام خود را پی می گیرد و سپس کلام را به مسیر اصلی خود بازمی گرداند. این تغییر، انواع گوناگونی همچون تغییر در ضمایر، عدد، مخاطب، زمان افعال، حالت دستوری و کاربرد اسم به جای ضمیر را در بر می گیرد که تغییر در ضمایر اول، دوم و سوم شخص شایع ترین نوع آن به شمار می آید. (حری، ۱۳۹۰، ۱۸) در این میان آیه ۲۲ یونس (هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَأَن نُّنَجِّيَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ) به سبب برخورداری از التفات های متعدد، به ویژه تغییر ضمیر از مخاطب به مغایب، در بازگردانی به زبان فارسی دچار پیچیدگی هایی شده است. لذا مترجمان درباره وفاداری به ظاهر متن مقدس قرآن یا مطابقت ترجمه با شکل ساختاری زبان مقصد (فارسی) دچار دوگانگی شده اند. در همین راستا این نوشتار پس از تبیین صنعت ادبی التفات در گفتمان قرآنی و آرای مفسران قرآن، به بررسی دیدگاه مترجمان در بازگردانی این آیه پرداخته و با تکیه بر اصول ترجمه، اسلوب صحیح بازگردانی التفات به زبان فارسی را برگزیده است.

## مفهوم شناسی واژه التفات

این واژه در معاجم عربی از مصدر باب افتعال و از ریشه فعل «لفت» به معنای روی برگردانیدن از کسی یا چیزی، معنا شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۲، ۸۴) تاج العروس نیز با استناد به نمونه های قرآنی این واژه همچون آیه ۸۱ هود (وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا

اُمْرَأَتُكَ)؛ (و هیچ کس از شما جز همسرت نباید واپس بنگردد.) (فولادوند، ۱۴۱۵، ۱، ۲۳۱) التفات را به معنای روی گردانی و اعراض از چیزی معنا نموده است. و استعمال عرب را نیز به همین معنا دانسته. لذا هنگامی که عرب می گوید: ما لَفْتُكَ عن فلانٍ؟ به این معناست که چه چیزی تو را از وی منصرف و روی گردان نمود؟ (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ۳، ۱۲۶). معنای لغوی التفات در زبان فارسی، عبارت است از: «نگریستن، باز پس نگریستن، برگشته نگریستن و به گوشه چشم نگریستن.» (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱، ۳۷۸).

در معنای اصطلاحی این واژه نیز دو دیدگاه از سگاک و دیگر بلاغیون مطرح گردیده. سگاک معتقد است وقتی کلام اقتضای یکی از حالات تکلم، خطاب یا غیبت را داشته باشد و متکلم خلاف آن را بیاورد، التفات رخ داده است. جمهور بلاغیون بر این باورند که هرگاه در کلام دو طریق از طرق سه گانه مخاطب، متکلم و مغایب استفاده شود و طریق دوم برخلاف طریق اول و نیز برخلاف اقتضای ظاهر و انتظار شنونده باشد، التفات پدید آمده است. (زاهد، ۱۳۹۰، ۴۸) شایان ذکر آنکه مرجع کلماتی که در این تغییر سخن به کار می روند، همگی یک چیز است. سرانجام چنان که هویدا است، معنای لغوی و اصطلاحی واژه در یک راستا قرار گرفته؛ چنان که التفات در لغت به معنای صرف نظر نمودن و در اصطلاح نیز به معنای انصراف و اعراض از حالتی که کلام مقتضی آن است به حالتی متفاوت تعبیر شده است.

### پیشینه بحث التفات

صنعت التفات از صنایع بلاغی و از زیرشاخه های علم معانی است؛ از این رو پیشینه پژوهش در آن را باید در آثار بلاغی یافت. در این باره به کتاب هایی همچون *بدیع القرآن*، از ابن ابی الأصعب (م ۵۶۴)، *مختصر المعانی*، از تفتازانی، *اسلوب الاثفات فی البلاغة القرآنیة*، از حسن طبل، *خطاب های قرآنی* از محمد مهدی قربانی و *تأثیر آموزه های بلاغی (علم معانی) در ترجمه از عربی به فارسی* (پایان نامه کارشناسی ارشد ادبیات عرب دانشگاه اصفهان)، از علی زاهد پور می توان اشاره نمود که هر یک قسمتی از مباحث خود را به بررسی التفات اختصاص داده اند. همچنین در خصوص این صنعت به مقالاتی از

جمله «بررسی شگرد قرآنی التفات در پرتو ساختار اطلاعات گفتمانی»، از ابوالفضل حزقی، «گونه‌شناسی صنعت التفات در قرآن مجید با توجه به مؤلفه‌های گفته‌پردازی»، از نادره سادات سارکی، «بازنگری معنایی در التفات بلاغی و اقسام و کارکردهای آن»، از هما رحمانی و عبد الله رادمرد و «کاربرد التفات در بافت کلام الهی»، از دو نویسنده اخیر هم می‌توان اشاره کرد. اما نوآوری این اثر در آن است که با بررسی موردی التفات در آیه ۲۲ یونس، درصدد ارائه الگویی روان در ترجمه آن به زبان فارسی بوده است.

### فایده التفات

زمخشری از برجسته‌ترین مفسرانی است که به فلسفه رخ دادن التفات جواب درخور و شایسته‌ای داده است. وی دو فایده عام و خاص برای التفات برمی‌شمرد. فایده عام که خواننده را بیدار و هوشیار ساخته و وی را از حالت یکنواختی خارج می‌سازد، (زمخشری، ۱۹۵۳، ۱، ۱۷۲) تمام کتب بلاغی سنتی و معاصر عربی و فارسی به پیروی از وی به این کارکرد اشاره کرده‌اند. و فایده خاص که نه تنها زمخشری، بلکه بلاغیون پس از او نیز جداگانه به شرح آن پرداخته‌اند، و تنها ضمن تفسیر آیاتی از قرآن که صنعت التفات سبب برجستگی آنها شده، به بیان این فواید خاص پرداخته‌اند. (رحمانی و رادمرد، ۱۳۹۱، ۱۶۱) با این حال، یکی از محققان مواردی همچون بیان کمال قدرت خداوند، تعظیم شأن، تحقیر و استخفاف، تهدید، نصیحت، کنایه و تأکید را از جمله فواید خاص التفات برشمرده است. (علی پور، ۱۳۹۰، ۴۳-۷۲)

### بررسی آرای مفسران قرآن در التفات از مخاطب به غایب

این نوع از التفات در کمتر از ۳۰ مورد در قرآن به کار رفته که ادیبان در بیان علت آن به اقوال متعددی متمسک شده‌اند. گروهی این تغییر را به سبب رفع انکار و تردید و گروهی کاربرد این شیوه را مبین تعجب و حیرت دانسته‌اند. (رادمرد، رحمانی، ۱۳۹۱، ۱۵) مفسران نیز در تبیین علت التفات در آیه ۲۲ یونس آرای گوناگونی مطرح نموده‌اند. در این

میان اولین رأی را می توان از آن زمخشری دانست که بسیاری از مفسران به تبعیت از وی التفات را بدین گونه معنا کرده‌اند. زمخشری هدف از این التفات را مبالغه می‌داند، گویی خداوند برای افرادی غیر از کشتی نشینان حالشان را به تصویر می‌کشد تا آنها را به شگفتی وادارد و به انکار و تقبیح مشرکان پردازند. (زمخشری، ۱۹۵۳، ۲، ۲۲۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ۱۷، ۲۳۴؛ اندلسی، ۱۴۲۰، ۶، ۳۳)

علامه طباطبایی با بیان نظریه دوم، هدف از این التفات را دو مورد بیان نموده است. اول آنکه پیامبر به جای مردم ناسپاس مخاطب قرار گیرد و با شنیدن رفتار مشرکان، متعجب شده و آنان را انکار نماید. دوم آنکه این التفات حاکی از روی گردانی خداوند از مردم است؛ زیرا آنان با کردارشان لیاقت قرار گرفتن در مقام مخاطب مستقیم پروردگار را از دست داده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۰، ۵۵) ابن اثیر نیز دیدگاه دوم در التفات این آیه را برگزیده است. وی انتقال ضمیر از دوم شخص به سوم شخص را نشانه زشتی عمل مخاطبان دانسته که موجب شده پروردگار از آنان روی گرداند. (رادمرد، رحمانی، ۱۳۹۱، ۱۶۱) فخر رازی التفات از غایب به مخاطب را نشانه علو درجه مخاطبان دانسته که پروردگار بی پرده با آنان سخن می‌گوید و التفات از دوم شخص به سوم شخص نظیر این آیه را نشانه تحقیر مخاطبان توصیف کرده که خداوند از هم کلامی با ایشان روی گردان می‌شود. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۱۷، ۲۳۴) قرشی نیز اعراض از مخاطب را مقصود این التفات دانسته است. (قرشی، ۱۳۷۷، ۴، ۳۸۶)

ابو حیان اندلسی در بیان سومین دیدگاه پیرامون این قسم از التفات، به تغییر مخاطبان در آیه شریفه اشاره نموده است. وی با تأمل در آیه تصریح کرده که خداوند در بر شمردن نعمت‌ها که شامل هردو گروه مؤمنان و مشرکان بوده، از ضمیر مخاطب استفاده نموده؛ که هدف از بیان این نعمت‌ها نیز شکرگزاری توحیدمداران و بیدار شدن گمراهان بوده است؛ لیکن هنگامی که از غرق شدن به عنوان مجازات ظالمان و تجاوزگران در زمین نام برده از ضمیر غایب استفاده نموده است. زیرا در این مورد روی سخن با مؤمنان که مخاطب قرآن هستند، نیست و این عذاب تنها شامل مشرکان بوده است. (ابو حیان

ابن عاشور نیز این نکته را یادآور شده که التفات در این آیه از اواخر ذکر نعمت‌های الهی شروع گردید تا بدین وسیله آشکار شود که مشرکان نیز از الطاف پروردگار بهره مند بوده‌اند. سپس این نعمت‌ها مقدمه‌ای بر نزول عذاب و هجوم بادهای سهمگین بر ایشان شده است. (ابن عاشور، بی تا، ۱۱، ۵۵)

وجه مشترک نظریات گوناگون درباره التفات مذکور در این آیه، یکی بودن مخاطب در همه ضمایر و یکپارچگی سیاق آیه شریفه است، به گونه‌ای که ابن عاشور و برخی از مفسران تصریح نموده‌اند که ضمایر مخاطب و غایب در آیه شریفه، همگی به مشرکان برمی‌گردد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۵، ۱۵۴؛ ابن عاشور، بی تا، ۱۱، ۵۵؛ عکبری، بی تا، ۱، ۱۹۳)

### سیاق سوره یونس

نزول این سوره مبارکه در اوائل بعثت بوده و چنان‌که از سیاقش پیداست یک باره نازل شده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۰، ۵؛ قرشی، ۱۳۷۷، ۴، ۳۴۲) محتوای سوره از موضع گیری شدید مشرکان علیه آیین نوپای اسلام حکایت دارد. (قرشی، ۱۳۷۷، ۴، ۳۴۲) لذا سوره با بیان تکذیب مشرکان آغاز شده، در قسمت بزرگی از سوره به تهدید و انذار آنان پرداخته و در انتها با توصیه پیامبر بر استقامت بروحی به پایان رسیده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۰، ۵-۶) در تقسیم بندی دقیق‌تر، آیه مورد بحث در میان آیات ۱۵ تا ۲۳ واقع شده که همگی از سیاق واحد پیروی می‌نمایند. در این آیات روی سخن با مشرکانی است که از پذیرش اسلام اعراض کرده، خواستار تغییر قرآن هستند که در مقابل، ابتدا پیامبر و سپس پروردگار به محاجّه با آنان پرداخته‌اند. آنچه در بررسی التفات در آیه ۲۲ این سوره شریفه حائز اهمیت است، عدم تغییر حقیقی مخاطب در تمام این آیات است. لذا به طور قطع جایگزینی ضمایر غایب به جای مخاطب را باید نمونه‌ای از کاربرد صنعت التفات در آیه شریفه دانست.

## سیاق آیات ۲۱-۲۳ سوره یونس

این آیات خطاب به مشرکان نازل شده و پس از آنکه پروردگار ایشان را به سبب پرستش بی حاصل اصنام نکوهش فرموده، با بیان نمونه ای از حالات انسانی آنان، به اثبات یگانگی خویش پرداخته است. خداوند در آیه ۲۱ رفتار مشرکان ناسپاس را وصف نموده که پس از رهایی از مشکلات، نه تنها شاکر نبوده و به حقانیت قرآن ایمان نمی آورند، بلکه مست نعمت شده و با مکر و حيله در راستای نابودی کلام الهی بر می آیند، در حالی که مکر خداوند سریع تر و گیراتر است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۰، ۴۷) سپس آیه ۲۲ یونس در مقام تفسیر آیه قبل برآمده و نزول رحمت الهی در اوج سختی ها را تشریح می نماید. ابتدا به یکی از بزرگ ترین نعمت های الهی که حرکت انسان در دریا و خشکی است اشاره نموده، سپس حال کشتی نشینانی را وصف نموده که ناگهان تندبادی بر آنان می وزد و امواج طوفانی از هرسو آنان را احاطه می نماید. مسافران که خود را در کام مرگ می بینند خداوند را از روی اخلاص عقیده می خوانند که اگر ما را از این ورطه نجات دهی به طور قطع از شکرگزاران خواهیم بود، ولی همین که پروردگار نجاتشان می دهد، دوباره بناحق در زمین ستمگری می نمایند، در حالی که این ظلم به ضرر خود آنهاست و پس از بهره ای کوتاه از زندگی دنیا، به سوی پروردگار باز می آیند. (یونس / ۲۳).

چنان که اشاره گردید، این آیات خطاب به مشرکان نزل یافته و به رغم تغییر ظاهری ضمائر در آیه ۲۲ یونس، مخاطب همچنان مشرکان هستند و عتاب متوجه آنان است.

## التفات در آیه ۲۲ یونس

این آیه شریفه به سبب داشتن چندین التفات در زمره مشکل ترین آیات از منظر ترجمه قرار گرفته است. آیه با ضمیر غایب شروع شده (هُوَ الَّذِي يُسَيِّرْكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ)، سپس با ضمیر مخاطب ادامه یافته (حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِّ)، آن گاه غایب (وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ) و سرانجام با ضمیر متکلم (لَئِنْ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ) به پایان رسیده است. در این میان، ترجمه التفات دوم آیه شریفه

که ضمیر از مخاطب به غایب تغییر یافته، پیچیده و دشوار است؛ زیرا خواننده گمان می‌کند که مخاطب تغییر یافته، در حالی که سیاق همچنان در روند یکسانی ادامه می‌یابد و لذا دچار سردرگمی و ابهام در معنای متن می‌گردد.

### آرای مترجمان در چگونگی بازگردانی آیه ۲۲ یونس به زبان فارسی

مترجمان با توجه به اصول و مبانی متفاوتی که در ترجمه قرآن خود را بدان متعهد دیده‌اند، در بازگردانی این آیه از دو الگوی گوناگون استفاده کرده‌اند؛ دو الگویی که در طول تاریخ ترجمه پیوسته مورد بحث بوده و امروزه به عنوان سبک‌های متعدد بازگردانی شناخته می‌شود. از دیرباز مترجمان از دو قطب بزرگ و متضاد بازگردانی، یعنی ترجمه تحت اللفظی، دقیق، و وفادار به متن و ترجمه آزاد، روان و زیبا سخن می‌گفتند. گروهی که طرفدار ترجمه تحت اللفظی و متمایل به زبان مبدأ بودند، پرچم امانت‌داری را برافراشته، ترجمه آزاد را خیانت کارانه می‌پنداشتند و از آن می‌گریختند. در مقابل، گروهی دیگر که جانب محتوا و معنا را می‌گرفتند و به زبان مقصد تمایل نشان می‌دادند، به زیبایی و روانی ترجمه اعتقاد راسخ داشته، ترجمه تحت اللفظی را کور و کودکانه می‌دانستند. اما از آنجا که این تقسیم‌بندی از دقت و منطق لازم برخوردار نبود، موضع‌گیری در برابر هر کدام آسیب‌های خود را به همراه داشت. سرانجام پیترنیومارک در کتاب *روش‌های ترجمه*، بازگردانی را با توجه به اینکه هدف از ترجمه وفاداری به نویسنده یا خواننده ترجمه است، به دو نوع معنایی و ارتباطی تقسیم نمود و خاطر نشان ساخت که هیچ‌متنی را نمی‌توان به طور مطلق معنایی یا ارتباطی ترجمه کرد؛ لیکن با توجه به نوع متن و هدفی که از ترجمه دنبال می‌شود، یکی از وجوه غلبه می‌یابد. (نیومارک، ۱۹۸۱، ۳۹) از منظری ترجمه معنایی ترجمه‌ای است که معنای دقیق متن مبدأ را با نزدیک‌ترین ساخت‌های دستوری و معنایی زبان مقصد، منتقل می‌کند و ترجمه ارتباطی ترجمه‌ای است که پیام متن مبدأ را با متداول‌ترین کلمات و عبارات و ساخت‌های



دستوری به زبان مقصد برمی گرداند. (همان) در ترجمه قرآن به عنوان شاخص ترین متن دینی، گرایش مترجم به هریک از این الگوها چگونگی بازگردانی وی را معین می نماید. هرچند نکته حائز اهمیت در آن است که حتی در ترجمه معنایی مترجم باید از اختیارات محدود خویش استفاده کرده و به ساخت های دستوری در زبان مقصد توجه نماید.

### دیدگاه نخست در ترجمه التفات

الگوی نخست که عمده مترجمان بدان پایبند بوده اند، ترجمه بخشی از آیه به شکل مخاطب و بخشی دیگر به صورت غایب است، تا عین ضمایر و الفاظ متن به ترجمه منتقل گردد. در حقیقت این گروه بر این باور بوده اند که بازگردانی متن مقدس قرآن تنها با به کارگیری ترجمه معنایی که دقیق ترین معنا را از زبان مبدأ به زبان مقصد منتقل می کند، امکان پذیر است. لذا ترجمه آنها از آیه شریفه چنین است: «او کسی است که شما را در خشکی و دریا می گرداند، تا وقتی که در کشتی ها باشید و آنها با بادی خوش، آنان را ببرند و ایشان بدان شاد شوند. [به ناگاه] بادی سخت بر آنها وزد و موج از هر طرف بر ایشان بتازد و یقین کنند که در محاصره افتاده اند، در آن حال خدا را پاکدلانه می خوانند که: «اگر ما را از این [ورطه] برهانی، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم شد.» (یونس / ۲۲) (فولادوند، ۱۴۱۵).

چنان که مشخص است، مترجم ضمیرهای مخاطب «کم» در جمله «یسیرکم» و عبارت «حتی إذا کنتم فی الفلک» را به شکل مخاطب به فارسی بازگردانده و به ناگاه در ادامه ترجمه، براساس نص آیه که التفات از دوم شخص به سوم شخص در آن اتفاق افتاده، جملات را به شکل غایب بازگردانی نموده است. لذا پس از آنکه می گوید: او کسی است که شما را در خشکی و دریا می گرداند تا وقتی که در کشتی ها باشید، ضمایر متصل و منفصل را تغییر داده، می نویسد: آنها با بادی خوش آنان را ببرند و ایشان بدان شادمان شوند و ...

مترجمان دیگری نیز در بازگردانی این آیه شریفه بدین الگو تمسک جسته و همچون

فولادوند ترجمه نموده‌اند. (ر.ک ترجمه‌های: ارفع، ۱۳۸۱؛ اشرفی، ۱۳۸۰؛ انصاریان، ۱۳۸۳؛ برزی، ۱۳۸۲؛ پاینده، بی تا؛ پور جوادی، ۱۴۱۴؛ حلبی، ۱۳۸۰؛ خسروی، ۱۳۹۰؛ خواجوی، ۱۴۱۰؛ رضایی، ۱۳۸۳؛ رهنما، ۱۳۴۶؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸؛ مصطفوی، ۱۳۸۰؛ سراج، بی تا؛ شعرانی، ۱۳۷۴؛ طاهری، ۱۳۸۰؛ فارسی، ۱۳۶۹؛ فیض الاسلام، ۱۳۷۸؛ جعفری، بی تا؛ گرمارودی، ۱۳۸۴؛ حجتی، ۱۳۸۴؛ مجتبوی، ۱۳۷۱؛ مشکینی، ۱۳۸۱؛ مصباح زاده، ۱۳۸۰؛ معزی، ۱۳۷۲؛ مکارم، ۱۳۷۳؛ دهلوی، ۱۴۱۷؛ انصاری، ۱۳۷۷؛ یاسری، ۱۴۱۵؛ قرآنتی، ۱۳۸۳؛ نویری، ۱۳۹۶)

### تحلیل و بررسی اسلوب نخست ترجمه التفات

چنان که اشاره گردید ریشه چنین ترجمه‌ای را می‌توان در پیش فرض‌های مترجم مبنی بر حفظ نص ظاهری قرآن جست و چون نمود. این گروه که در ادوار گذشته و نه چندان دور تنها ترجمه تحت اللفظی را صحیح قلمداد کرده، با برافراشتن پرچم امانت‌داری، ترجمه آزاد را خیانت به قرآن می‌دانستند، امروزه نیز افزون بر ترجمه‌های تحت اللفظی و تفسیری در ترجمه‌های آزاد خود نیز به رعایت ساختار زبان مبدأ در هر شرایطی پایبند هستند. ایشان در جهت نزدیکی هرچه بیشتر ترجمه به متن اصلی، معنای عبارات و کلمات را به شکل دقیق و فارغ از معنایی که در بافت متن یافته به زبان مقصد منتقل می‌نمایند. لذا به سبب آنکه مترجم از کاهش یا افزایش در ترجمه می‌پرهیزد، برخی از مفاهیم معنایی و ویژگی‌های دستوری زبان مبدأ وارد زبان مقصد می‌شود و خواننده در مواردی از جمله ترجمه التفات، احساس می‌کند با مفاهیم و زبانی غیر معمول روبه‌روست؛ زیرا ترتیب کلمات و اجزای کلام از متن اصلی پیروی کرده و ترجمه رنگ و بوی زبان مبدأ را به خود گرفته است. (ناظمیان، ۱۳۸۶، ۲۵) در نتیجه مشکل نهفته در ترجمه التفات، نامأنوسی متن بازگردانی شده برای فارسی‌زبانان است؛ زیرا هیچ‌گاه در زبان فارسی در متنی پیوسته که مخاطبان یکسانی دارد، التفاتی بدین شکل رخ نمی‌دهد؛ لذا این ترجمه روان و ملموس نیست. در این میان، مرحوم فیض

الاسلام در ترجمه تفسیری خویش، برای از میان بردن غرابت ساختاری این اسلوب بازگردانی، با استفاده از توضیحات تفسیری به ترجمه التفات در آیه شریفه پرداخته است. ترجمه فیض الاسلام از این آیه شریفه چنین است: «(پس از آن برخی از نعمت های خود را بعد از سختی و گرفتاری یادآوری نموده می فرماید): اوست خدایی که شما را در خشکی و دریا (توانایی بر) سیرو گردش می دهد تا آنکه (برای رسیدن به مطلوب و خواسته خود به دریا رسیده و) در کشتی ها آرام گیرید، و (پس از آن برای آشکار ساختن تعجب و شگفت شنونده از حال و چگونگی کشتی نشینان از خطاب به غیاب بازگشته و روی سخن به دیگران نموده و می فرماید): کشتی ها با کشتی نشینان به وسیله باد پاکیزه (موافق و سازگار که کشتی ها را به سوی مقصود می برد) روان شدند، و کشتی نشینان با آن باد (که موافق و سازگار بود) شاد گشتند. (ناگهان) باد سخت و تند به آن کشتی ها وزید، و موج و غلطیدن آب ها روی هم از هر سو (ی دریا) به ایشان رو آورد، و دانستند که سخت گرفتار شده اند (هلاک و تباهی آنان را فراگرفته از ترس استخوان هاشان به لرزه آمد، امیدشان از همه جا بریده گشت) خدا را در حالی که خضوع و فروتنی را برای او خالص و پاک (بی رثاء و خودنمایی) گردانیده بخوانند به اینکه اگر ما را از این شدت و سختی نجات و رهایی دهی هر آینه از سپاسگزاران (نعمت های تو) خواهیم بود (جز تورا عبادت و بندگی نخواهیم نمود)». (یونس / ۲۲) (فیض الاسلام، ۱۳۷۸، ۲، ۴۰۷).

وی افزون بر حفظ ساختار زبان مبدأ توانسته ترجمه ای قابل فهم ارائه دهد، لیکن این مهم به کمک توضیحات تفسیری محقق شده و بحث این مقاله در مواردی است که هدف نگارنده صرفاً ارائه ترجمه روان فارسی است نه ترجمه تفسیری. بنابراین اشکال این نوع از ترجمه همچنان در جای خود باقی است.

### دومین دیدگاه در ترجمه التفات

دیدگاه دوم که مبتنی بر ترجمه ارتباطی از متن است، یکی از عوامل مهم در ترجمه را مخاطب و فهم او برمی شمارد. این گروه از مترجمان بر این باورند که اگر مخاطب متن را

درک نکنند و در فهم آن دچار ابهام گردد، بدیهی ترین هدف بازگردانی محقق نشده؛ زیرا متن با مخاطبان ارتباط لازم را برقرار نکرده است. بدون تردید رعایت نکردن اسلوب‌های ساختاری زبان مقصد که مخاطب براساس آنها سخن می‌گوید، می‌نویسد و می‌فهمد، یکی از عوامل ابهام زایی و از بین رفتن تأثیر معنای متن است. لذا با عنایت به مخاطبان قرآن که فراگیر و از همه قشرها به حساب می‌آیند، رعایت قواعد دستور زبان مقصد، برای فهم هرچه بیشتر مخاطب، اولین اولویت به شمار می‌آید. (ناظریان، ۱۳۸۶، ۴۱) بر همین اساس این دسته از مترجمان پیروی از ضمایر جمله مبدأ را برای تعیین ضمائر در بازگردانی همیشه کارساز نمی‌دانند، بلکه رعایت سیاق متن مبدأ در بازگردانی را شرط لازم تعریف می‌کنند نه ترجمه تک تک ساختارهای دستوری متن مبدأ. در نهایت مترجمان به اصل قرار دادن این اسلوب به دو نوع ترجمه از این آیه پرداخته‌اند که در ادامه به تبیین و بررسی هریک از آنها پرداخته می‌شود.

### نخستین بازگردانی مبتنی بر دیدگاه دوم در ترجمه التفات

نخستین ترجمه ای که آیتی با مبنا قرار دادن ترجمه ارتباطی ارائه داده است، تبدیل سیاق مخاطب آیه در بازگردانی به شکل غایب است. ترجمه وی از این آیه شریفه بدین شکل است: «اوست که شما را در خشکی و در دریا سیر می‌دهد. تا آن‌گاه که در کشتیها هستند و باد موافق به حرکتشان می‌آورد، شادمانند. چون توفان فرارسد و موج از هرسو بر آنها ریزد، چنان‌که پندارند که در محاصره موج قرار گرفته‌اند، خدا را از روی اخلاص عقیدت بخوانند، که اگر ما را از این خطر برهانی از سپاسگزاران خواهیم بود.» (یونس/۲۲) (آیتی، ۱۳۷۴، ۱، ۲۱۱).

وی به جز نخستین ضمیر مخاطب، سایر ضمایر متصل و منفصل آیه را اعم از غایب و مخاطب به شکل سوم شخص ترجمه نموده تا متن بازگردانی شده روان و ملموس گردد.

## تحلیل و بررسی ترجمه نخست مبتنی بر دیدگاه دوم

آیتی ضمیر مخاطب «کم» در قسمت ابتدایی آیه را به همان شکل مخاطب ترجمه کرده و نوشته: اوست که شما را در خشکی و دریا سیر می دهد. لیکن ضمیر مخاطب دوم در عبارت «حتی إذا کنتم فی الفلک» را به شکل غایب ترجمه نموده تا با ادامه آیه که التفات صورت گرفته و ضمایر به شکل غایب آمده، هم خوانی یابد. این شیوه ترجمه بیانگر باور مترجم در لزوم هم خوانی متن بازگردانی شده با ساختار زبان مقصد است که موجب شده وی از الفاظ ظاهری قرآن عدول کرده و مطابق با ادبیات زبان فارسی ترجمه نماید. در حقیقت او نسبت به مترجمان گروه قبل به متن وفاداری کمتری نشان داده و فهم مخاطب را اولویت بخشیده است. لذا به قالب زبانی مخاطبان فارسی زبان نزدیک گشته است.

اما اشکال نهفته در این ترجمه عدم هم خوانی متن بازگردانی شده با سیاق آیه شریفه است؛ زیرا سیاق آیه به اذعان مفسران یکپارچه است و روی سخن در تمام آیه با مشرکان بوده است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۵، ۱۵۴؛ ابن عاشور، بی تا، ۱۱، ۵۵؛ عکبری، بی تا، ۱، ۱۹۳) لذا نمی توان قسمت اول آیه را مخاطب ترجمه کرد و حرکت در دریا و خشکی را نعمت پروردگار برگروه حاضر دانست و سپس ادامه آیه را که بخشی از این نعمت، حرکت در دریا و رهایی از امواج خروشان آن است، خطاب به گروه غایب دانست. بنابراین، ترجمه یادشده به سبب عدم تطابق با سیاق آیه شریفه صحیح نیست.

## دومین بازگردانی مبتنی بر دیدگاه دوم در ترجمه التفات

الهی قمشه ای، عاملی، بروجردی و کاویانپور، دومین الگوی بازگردانی التفات مخاطب به غایب را بر پایه سبک ترجمه ارتباطی ارائه کرده اند. (الهی قمشه ای، ۱۳۸۹، ۲۱۱؛ بروجردی، ۱۳۶۶، ۱، ۳۵۹؛ کاویانپور، ۱۳۷۸، ۱، ۲۱۱؛ عاملی، ۱۳۶۰، ۵، ۲۶) آنان از التفات رخ داده در آیه شریفه چشم پوشیده و تمام آیه را به شکل یکپارچه، مخاطب ترجمه کرده اند. بازگردانی آیه شریفه بر اساس این اسلوب چنین است: «او آن خداوندی است که شما را در خشکی و دریا سیر می دهد و اگر در کشتی باشید باد موافقی بوزد شاد

و مسرور و خوشوقت می شوید و چون باد سختی بوزد و کشتی را دستخوش امواج خروشان قرار دهد و خویشتن را در معرض هلاک و مرگ مشاهده کنید، آن‌گاه از روی فطرت توحیدی خدا را با اخلاص بخوانید که بار خدایا اگر ما را از این ورطه خطرناک نجات بخشی دیگر از کفر و عناد دست برداشته سپاس گزار تو خواهیم بود.» (یونس/۲۲). این مترجمان افزون بر ضمایر مخاطب «کم»، ضمایر غایب «هم» در عبارت «و جرین بهم» و «و جاءهم الموج» و «أنهم أحیط بهم» و «واو» در افعال «فرحوا» و «ظنوا» را نیز به شکل مخاطب ترجمه نموده‌اند.

### تحلیل و بررسی دومین ترجمه مبتنی بر دیدگاه دوم

این اسلوب ترجمه نیز حکایت از ارجحیت حفظ ساختار زبان مقصد نسبت به زبان مبدأ در باورهای مترجم دارد. این گروه از مفسران همچون آیتی در راستای ارائه ترجمه قابل فهم و روان، از عبارت ظاهری قرآن عدول کرده و به بازگردانی براساس دستور زبان فارسی روی آورده‌اند، لیکن تفاوت این دو دیدگاه در آن است که در نظریه اخیر، مترجمان تنها از ظاهر الفاظ گذشته‌اند، لیکن از سیاق اعراض ننموده‌اند. لذا وجه نیکوی این اسلوب بازگردانی، هماهنگی ترجمه با سیاق آیه شریفه و ساختار زبان فارسی و در نتیجه روانی و سادگی آن برای مخاطبان است. در نتیجه این گروه از مترجمان نسبت به مترجمانی که سبک معنایی را برگزیده‌اند، به مخاطب بیشتر بها داده و در برابر آیتی به متن وفادارتر بوده و در بازگردانی خود سیاق و بافت متن را منتقل نموده‌اند. لذا این اسلوب را بهترین ترجمه از این آیه شریفه می‌توان خواند.

لیکن نکته قابل تأمل در رویکرد ترجمه ارتباطی آن است که با توجه به قداست قرآن که به هر کسی و با هر شرایطی اجازه نمی‌دهد آن را در قالب دلخواه خود درآورد؛ به ویژه که قسمت عمده‌ای از اعجاز آن در ویژگی‌های صوری و نوشتاری تمثیل یافته، آیا می‌توان در مواردی که میان ساختار زبان مبدأ و مقصد تعارض وجود دارد، از ظاهر قرآن صرف نظر کرد و براساس قواعد زبان مقصد به ترجمه پرداخت؟ آیا عدول از ظاهر الفاظ نشان بی

امانتی مترجم نسبت به متن قرآن نیست؟

### برابریابی دستوری در ترجمه التفات به زبان فارسی

یکی از نکات بدیهی در ترجمه، بازگردانی متن براساس دستور زبان فارسی است؛ اما رعایت این نکته به ویژه در بازگردانی قرآن، در مواردی بر مترجمان دشوار آمده و هریک آگاهانه یا ناخود آگاه در مواردی از دستور زبان عربی در ترجمه فارسی استفاده نموده‌اند که در گذر زمان خلط ویژگی‌های زبان عربی با فارسی، موجب اغلاط فراوانی شده و از روانی و شیوایی ترجمه کاسته است. اگر همه مترجمان را مسلط بر زبان فارسی بدانیم، تنها دلیل عدم رعایت مقتضیات زبان فارسی در ترجمه قرآن کریم، قداست ویژه آن نزد افکار عمومی و از جمله خود مترجم است. در دوران گذشته مترجمان به سبب آنکه با متن مقدسی همچون قرآن مواجه بودند که می‌دانستند قادر به ترجمه ای برابر با متن نیستند و اندک تخطی از لفظ آن، خطر انحراف اعتقادی و فقهی را دربردارد، چنان قلم و فکر خود را در بند می‌دیدند، که سرانجام از رساندن پیغام، از زبان مبدأ به زبان مقصد چشم پوشیدند و تنها به یافتن معادل‌هایی برای واژه‌های عربی اکتفا کرده و آنها را یک به یک زیر الفاظ قرآن نگاشتند. (آذرنوش، ۱۳۷۵، ۱، ۳۲) حتی گروهی از مترجمان پیشین بآء تعدیه برخی از افعال عربی را که در بازگردانی فارسی هیچ نقشی ندارد، در ترجمه وارد ساخته و دستور زبان فارسی را برهم زده‌اند، به طوری که عبارت «یأت بکم الله» را چنین ترجمه کرده‌اند: «بیارد به شما خدای» (آذرنوش، ۱۳۷۵، ۱، ۳۴). در چنین شرایطی یکی از دشوارترین و اصلی‌ترین مراحل ترجمه، انتقال ساختارهای دستوری مبدأ به قالب‌های مناسب زبان مقصد است؛ به ویژه آنکه گاه ترجمه صحیح و روان مستلزم برهم زدن برخی از ساخت‌های زبان عربی است، لیکن به تدریج از آن هول و هراس کاسته شده و به برکت ترجمه‌های متنوع و مختلف، دست مترجمان در رعایت الگوهای زبان فارسی گشوده‌تر شده است.

در این نوشتار برگونه ای خاص از ترجمه تأکید نمی‌گردد، بلکه مدعا این است که حتی در یک بازگردانی دقیق، مطابق و تحت اللفظی نیز، رعایت مقتضیات زبان مقصد

لازم است و حفظ دقت و امانت در ترجمه فارسی قرآن، خود مستلزم به کارگیری هر چه بیشتر الگوها و ویژگی‌های زبان فارسی است. در بازگردانی التفات نیز حفظ ساختار زبان مبدأ تا زمانی که به ساختار زبان مقصد آسیبی نرساند، لازم است. در غیر این صورت سلاست متن ترجمه شده و انتقال صحیح پیام به مخاطب، در اولویت است. لذا اگر با ترجمه التفات، پیوند اجزای کلام از بین رود، باید همه حالت‌های التفات را به یک شکل و براساس نخستین ضمیر به کار رفته ترجمه کرد؛ زیرا ضمیر اول براساس سیاق آیه و مخاطب حقیقی انتخاب شده و ضمیر بعدی به سبب التفات تغییر یافته است. (زاهد، ۱۳۹۰، ۵۲) بنابراین در آیه ۲۲ یونس همه ضمائر بر پایه نخستین ضمیر که دوم شخص ذکر شده به شکل مخاطب ترجمه می‌شود. بر همین اساس اسلوب دوم، مبتنی بر دیدگاه حفظ ساختار زبان مقصد را می‌توان صحیح‌ترین شکل ترجمه این آیه دانست.

### نتیجه

التفات به عنوان یکی از برجسته‌ترین صنایع ادبی از جایگاهی ویژه در زبان عربی برخوردار است. التفات انواع متعددی را شامل می‌گردد که بارزترین نوع آن تغییر ضمائر است، لیکن این آرایه ادبی در عین زیبایی و فصاحت در کلام عرب، در برخی موارد موجب ابهام در سایر زبان‌ها می‌گردد. از این رو اندیشمندان ترجمه آرایه‌های ادبی همچون التفات را از دشوارترین مراحل ترجمه قرآن کریم به شمار می‌آورند. التفات هر چند در زبان فارسی کاربرد دارد و در موارد بسیاری با بازگردانی آن، ترجمه همچنان روان و قابل فهم است، لیکن ترجمه آن در برخی از آیات همچون آیه ۲۲ یونس، به سبب عدم همخوانی با ساختار زبان فارسی، موجب پیچیدگی و ابهام در ذهن خواننده می‌گردد. با این حال، عموم مترجمان فارغ از این مسئله و با هدف رعایت ظاهر متن قرآن به ترجمه این دسته از التفات‌ها پرداخته‌اند؛ اما برخی از صاحب نظران معاصر در زمینه ترجمه بر این باورند که حفظ ساختار زبان مبدأ تا زمانی لازم است که از شیوایی و قابل فهم بودن زبان مقصد نکاهد. لذا آنان بازگردانی متن قرآن براساس ساختار دستور زبان مقصد را در هر



نوع ترجمه، اعم از معنایی و ارتباطی، لازم و بدیهی می‌دانند. از این رو گروه اندکی از مترجمان قرآن، اولویت کار خویش را حفظ ساختار زبان مقصد قرار داده و از ترجمه این قسم از التفات چشم پوشی نموده‌اند. آنها با بازگردانی یکنواخت تمام ضمیرآیه براساس نخستین ضمیروارد شده، ترجمه‌ای سلیس، روان، صحیح و قابل فهم ارائه نموده‌اند.

## منابع

۱. قرآن کریم
۲. آذرنوش، آذر تاش، *تاریخ ترجمه از عربی به فارسی*، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۵.
۳. آیتی، عبدالمحمد، *ترجمه قرآن* (آیتی)، انتشارات سروش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ ش.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر و التنبؤ*، بی نا، بی جا، بی تا.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، یوسف خیاط، قم، دارصادر، ۱۴۱۴ ق.
۶. الهی قمشه‌ای، مهدی، *ترجمه قرآن* (الهی قمشه‌ای)، انتشارات فاطمه الزهراء، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ش.
۷. اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، *البحر المحیط فی التفسیر*، تصحیح و تحقیق صدقی محمد جمیل، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
۸. بروجردی، سید محمد ابراهیم، *ترجمه قرآن* (بروجردی)، انتشارات صدر، تهران، چاپ ششم، ۱۳۶۶ ش.
۹. حری، ابوالفضل، «بررسی شگرد التفات در پرتو ساختار اطلاعات گفتمان»، *فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، ۱۳۹۰.
۱۰. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، علی، هلالی و سیری، علی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
۱۲. رادمرد، عبدالله و همارحمانی، «کاربرد التفات در بافت کلام الهی»، *فصلنامه لسان مبین*، شماره ۸، ۱۳۹۱ ش.
۱۳. رحمانی، هما و عبدالله رادمرد، عبدالله، بازنگری معنایی در التفات بلاغی و اقسام و کارکردهای آن، *مجله جستارهای ادبی*، شماره ۱۷۶، ۱۳۹۱ ش.
۱۴. زاهد پور، علی، *تأثیر آموزه های بلاغی (علم معانی) در ترجمه از عربی به فارسی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته ادبیات عرب، دانشکده زبان های خارجی دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۰ ش.

۱۵. زمخشری، محمود بن عمر، *الكشاف*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۹۵۳ ق.
۱۶. طباطبایی، محمد حسین، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدزسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، با مقدمه محمد جواد بلاغی، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۱۸. عاملی، ابراهیم، *تفسیر عاملی*، تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری، انتشارات صدوق، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۱۹. عکبری، عبدالله بن حسین، *التبیان فی اعراب القرآن*، بیت الافکار الدولیه، عمان - ریاض، بی تا، اول
۲۰. علی پور، حامد، *صنعت التفات واهداف آن در قرآن کریم*، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی مطهری فردوسی مشهد، ۱۳۹۰ ش.
۲۱. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.
۲۲. فولادوند، محمد مهدی، *ترجمه قرآن* (فولادوند)، هیئت علمی دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، *دارالقرآن الکریم* (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، تهران، ۱۴۱۵ ق.
۲۳. فیض الاسلام، سید علی نقی، *ترجمه و تفسیر قرآن عظیم*، انتشارات فقیه، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۲۴. قرشی، سید علی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، بنیاد بعثت، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ش.
۲۵. کاویانپور، احمد، *ترجمه قرآن* (کاویانپور)، سازمان چاپ و انتشارات اقبال، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۸ ش.
۲۶. ناظمیان، رضا، *روش هایی در ترجمه از عربی به فارسی*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش.
۲۷. نیومارک، پیتر، *روش های ترجمه*، بی جا، بی نا، ۱۹۸۱ م.
۲۸. بررسی سایر ترجمه های CD جامع التفاسیر.



## ۱. پیشینه طرح

درباره روایات تفسیری و گونه شناسی و سطح بندی آنها به ویژه در دهه های اخیر کارهایی شکل گرفته است که می توان شروع موفق آن را در *تفسیرالمیزان* علامه طباطبایی در بخش روایی تفسیردید. وی نخستین بار روایات تفسیری، تأویلی و باطنی، جری و تطبیق را از هم تفکیک نمود. مورد دیگر مقاله پژوهشی «*روایات تفسیری شیعه، گونه شناسی و حجیت*»، نوشته دکتر مهدی مهریزی در مجله علوم حدیث شماره ۵۵ است که مؤلف در آن، روایات اهل بیت<sup>۱</sup> را به گونه های مختلفی تقسیم نموده است. از دیگر کارهای صورت گرفته در این باره مقاله «*گونه شناسی روایات تفسیری*» از دکتر مهدی رستم نژاد مجله حسنا شماره ۱ است. در دو مقاله یادشده به طور جزئی به تقسیم بندی و گونه شناسی روایات اهل بیت<sup>۲</sup> پرداخته شده است. در مقاله ای نیز با عنوان «*آسیب شناسی فهم روایات (تعارض؛ علل و عوامل آن)*» از دکتر سید علی دلبری به عوامل تعارض اخبار معصومان<sup>۳</sup> اشاره و دلایل آن ذکر شده است.

## ۲. بیان مسئله و هدف

بی شک هدف پژوهش حاضر گونه شناسی جزئی روایات تفسیری نیست و نیز به علل تعارض موجود در کلیت احادیث نظری ندارد، بلکه هدفش نشان دادن این حقیقت است که تقسیم بندی و سطح بندی روایات به ظاهر و باطن و وجود تأویل در روایات تفسیری ریشه در بیان معصوم<sup>۷</sup> دارد و آنان ما را از گوناگونی روایات در تفسیر قرآن کریم - متناسب با سطح ظاهر و باطن قرآن کریم و فهم مخاطب - مطلع کرده و مخاطبان را به دقت و درایت در جهت فهم این حقیقت رهنمون ساخته اند. همچنین در ادامه به تعارضاتی در روایات تفسیری که بدین سبب ایجاد شده است، پرداخته و تأکید کرده ایم





















است. مصادیق یاد شده در هریک از این روایات انحصاری نبوده و معصوم<sup>7</sup> در آنها مصادیق متنوع باطنی و ظاهری آیه را روشن می‌نماید که هریک در جای خود نعیم هستند و هیچ‌گونه تعارضی با هم ندارند.

در واقع روایات دسته دوم معرفی کننده اهل بیت<sup>7</sup>: به عنوان مصداق اتم نعمت الهی می‌باشند و بدین سان به روشنی منظور و مفهوم کلام معصوم<sup>7</sup> فهمیده می‌شود. آنچه در تبیین تعارض پیش آمده در روایات مختلف تفسیری یاد شد و شیوه‌ای که در شرح روایات متعارض آورده شد، در بیان معصومان<sup>7</sup>: آمده است و آن بزرگواران نیز، چنان که ذکر شد، به همین شیوه دیگران را در حل تعارض اخبار خود رهنمون ساخته‌اند و بدان به‌طور صریح و یا ضمنی اشاره کرده‌اند.

## ۶. نتیجه

یکی از راه‌هایی که می‌توان مشکل فهم معنایی روایات مختلف معصومان<sup>7</sup>: را در یک موضوع و یا یک آیه از قرآن کریم برطرف نمود، دسته‌بندی روایات به گونه‌های مختلف (بطور کلی روایات تفسیر ظاهری و تفسیر باطنی «تأویلی») است؛ راهکاری که اهل بیت<sup>7</sup>: خود، ما را بدان رهنمون ساخته‌اند.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، سید محمود، روح المعانی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۳. ابراهیمی، ابراهیم، کیفیت تحلیل و نقد حدیث، جهاد دانشگاهی، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (الشیخ الصدوق)، عیون اخبار الرضا<sup>7</sup>، تحقیق سید مهدی حسینی لاجوردی، منشورات جهان، تهران.
۵. \_\_\_\_\_، معانی الأخبار، تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرّسين بقم المشرفة، ۱۳۷۹ ش.
۶. \_\_\_\_\_، عیون اخبار الرضا<sup>7</sup>، ترجمه علی اکبر غفاری، مستفید، نشر صدوق،

بی تا.

۷. \_\_\_\_\_، **من لایحضره الفقیه**، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۸. صفار، محمد بن حسن، **بصائر الدرجات**، تصحیح، تعلیق و مقدمه از میرزا حسن کوچه باغی، منشورات الأعلمی، تهران، ۱۴۰۴/ق/۱۳۶۲ ش.
۹. اسعدی، محمد و همکاران، **آسیب شناسی جریان های تفسیری**، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ش.
۱۰. بحرانی، سید هاشم، **البرهان فی تفسیر القرآن**، بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۱۶ هـ. ق.
۱۱. برقی، احمد، **المحاسن**، دارالکتب الاسلامیه، قم، بی تا.
۱۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، مؤسسه آل البيت : لإحياء التراث، قم.
۱۳. ذهبی، محمد حسین، **التفسیر والمفسرون**، دارالقلم، بیروت، بی تا.
۱۴. رجیبی محمود و جمعی از نویسندگان، **روش شناسی تفسیر قرآن کریم**، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، تهران، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۵ ش.
۱۵. زرقانی، محمد عبدالعظیم، **مناهل العرفان**، دارالفکر، بیروت، ۱۹۸۸ م.
۱۶. سیدرضی، **نهج البلاغه**، ترجمه محمد دشتی، لاهیجی، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ش.
۱۷. سیوطی، جلال الدین، **الإتقان فی علوم القرآن**، المكتبة الثقافية، بیروت، ۱۹۷۳ م.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۱۹. عیاشی، محمد بن مسعود، **تفسیر العیاشی**، المكتبة العلمية الإسلامية، تهران.
۲۰. فیض کاشانی، ملامحسن، **تفسیر الصافی**، الصدر، تهران، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
۲۱. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، **تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب**، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تصحیح و تعلیق علی اکبر الغفاری، دارالکتب الإسلامیة، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۷ ش.
۲۳. متقی هندی، **کنز العمال**، تحقیق، ضبط و تفسیر از شیخ بکری حیانی، تصحیح و فهارس از الشیخ صفوة السقا، مؤسسه الرسالة، بیروت، ۱۴۰۹/ق/۱۹۸۹ م.
۲۴. محمدی ری شهری، محمد، **میزان الحکمه**، تهران، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ. ق.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۲۶. مسعودی، عبدالهادی، **آسیب شناخت حدیث**، دانشکده علوم حدیث، انتشارات زائر، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.
۲۷. \_\_\_\_\_، **روش فهم حدیث**، انتشارات سمت، دارالحدیث، تهران، چاپ چهارم،

- ۱۳۸۷ش.
۲۸. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۲۹. معرفت، محمد هادی، *علوم قرآنی*، انتشارات التمهید و سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۴ش.
۳۰. معارف، مجید، *شناخت حدیث*، نبأ، تهران ۱۳۸۷ش.
۳۱. نجارزادگان، فتح الله، *رهیافتی به مکاتب تفسیری*، دانشکده اصول الدین، قم، ۱۳۸۷ش.





## بیان مسئله

فراهم آمدن شرایط رشد و دستیابی به هدف مورد انتظار از پدیده های هستی، علاوه بر برنامه، تلاش، شناخت و ... با عنصر عنایت خداوند مقرون است که از آن به برکت یاد می شود. در اصطلاح روز می توان برای برکت، از عنوان بهینه سازی، بهره‌وری مادی معنوی استفاده کرد.

کاربرد برکت در قرآن نیز نشان دهنده افزونی نتیجه‌های اندیشه و عمل است. (اعراف: ۹۶، ۱۳۷؛ فصلت: ۱۰؛ اسراء: ۱؛ انبیاء: ۷۱، ۸۱؛ سبأ: ۱۸؛ صافات: ۱۱۳؛ نمل: ۸؛ قصص: ۳۰؛ انعام: ۹۲، ۱۵۵؛ انبیاء: ۵۰؛ آل عمران: ۹۶؛ مریم: ۳۱؛ ق: ۹؛ اعراف: نور: ۳۵؛ دخان: ۳؛ قدر: ۳).

در فرهنگ قرآن کریم، عنایت ویژه خداوند در رشد رویکرد به هدایت (هود: ۴۸) و کثرت نسل (صافات: ۱۰۹-۱۱۳؛ مقاتل، ۲، ۲۸۴) و افزونی روزی مادی و معنوی (آلوسی، ۶، ۲۷۰) می تواند از مصداق‌های برکت باشد.

کوثر که به معنای خیر فراوان خوانده شده و مصداق آن فاطمه زهرا<sup>۳</sup> است، عامل خیر و برکت نسل رسول اعظم<sup>۹</sup> به شمار می‌رود.

همچنین برخی عوامل مادی که انسان می تواند از آن‌ها در مسیر رشد مادی و معنوی بهره بگیرد، مانند باران و سایر عوامل طبیعی (انعام، ۹۲ و ۱۵۵؛ انبیاء، ۵؛ اعراف، ۹۶؛ ق: ۹ و ۱۰)، درخت زیتون (نور، ۳۵) و مکان‌هایی چون مکه، بیت المقدس (اعراف، ۱۳۷؛ اسراء: ۱۶ و ...) برکت آفرین خوانده شده‌اند.





(طبرسی، ۱۳۶۰، ۲۵، ۱۰۰؛ حویزی، ۵، ۳۵۷).

شهید مطهری (ره) این بیت بابا طاهر (بسازم خنجری نیشش ز فولاد/ زخم بردیده تا دل گردد آزاد) را همان شیرینی دم و سرو اشکم مولوی در مثنوی می‌داند. (نک: همو، ۱۷۴، ۲۳).

قرآن کریم، گشایش برکت را ثمره پارسایی جامعه دانسته است: (أعراف ۹۶). یکی از مصداق‌های برکت‌های آسمان، استجاب دعاها و برکت‌های زمین، آسان شدن دسترسی به حاجت‌هاست. (طبرسی، ۱۳۶۰، ۹، ۱۹۰ و ۱۹۱) پس انسان‌های مؤمن با رویکرد به پارسایی و سودهی تلاش‌ها و فعالیت‌های اقتصادی، علمی، فرهنگی، هنری و... در مسیر تعالیم الهی و آموزه‌های وحیانی می‌توانند از رشد فزاینده نتایج تلاش خود بهره‌مند شوند.

#### ۱-۱-۲- استغفار

استغفار به معنای طلب غفران الهی است و برخلاف مشهور، لازمه آن ارتکاب گناه، معصیت و نافرمانی خداوند نیست، بلکه در اموری چون پیش‌گیری از ارتکاب گناه، پرهیز از سکون و رکود و عدم انگیزه رقابت در کسب درجات متعالی نیز مؤثر است. به فرموده امام صادق <sup>۷</sup>، رسول اعظم <sup>۹</sup> روزانه هفتاد بار استغفار می‌کرد. (مجلسی، ۴۴، ۲۷۵).

به گزارش قرآن و تبیین پیشوایان دین <sup>۱۰</sup>، استغفار، موانع دریافت برکت‌های الهی را از سرراه فرد و جامعه برمی‌دارد. حضرت نوح <sup>۷</sup> به قومش فرمود: استغفار کنید تا باران‌های پی در پی بر شما فرو ریزد و شما را با اموال و اولاد کمک کند و باغ‌ها و رودها برایتان قرار دهد، (نوح، ۱۰-۱۳).

گفته‌اند که قوم نوح مبتلا به قحطی و خشک‌سالی شدند و برای همین، آن‌ها را ترغیب فرمود که استغفار کنند، (طبرسی، ۱۳۶۰، ۲۵، ۳۳۵). برخی گفته‌اند: ایمان، جمع‌کننده خیر دنیا و آخرت است، (ابن جوزی، ۴، ۳۴۲).

طرائف الحکم می‌نویسد: حضرت حسن مجتبی <sup>۷</sup> با استناد به آیه یادشده؛ کسی را

که از قحطی و گرانی شکایت کرد، و آنکه را که از فقر و تهی دستی شکایت کرد، و نفر سوم را که طلب فرزند کرد، به استغفار فرا خواند. (نک: آشتیانی، ۲، ۱۰۷).

در نظام تربیت دینی، اموری چون عدم تمایل انسان برای سبقت در امور خیر و رقابت سازنده، تنبلی و سستی نسبت به تأمین نیازهای خود و اعضای خانواده، کوتاهی نسبت به آموزش دانش و گسترش بینش، ناتوانی در ایجاد رابطه مطلوب با دیگران، عدم استفاده از علما و اندیشمندان، عدم قدرشناسی نسبت به پدر و مادر، کوتاهی در صله رحم و ... از مصداق‌های رکود انسان و نیازمند استغفار است.

### ۱-۱-۳- شکرگزاری

شکرگزاری از داشته‌ها، نعمت‌ها، استعدادها و ... دارای دو نقش اساسی است. نخست: شکرگزاری، گسترش وجود، توسعه شخصیت و تعالی روح است. خداوند فرمود: اگر شکرگزار باشید، بر شما فزونی می‌دهم. (ابراهیم: ۷)؛ (لَا زِيَادَ لَكُمْ) یعنی وجود شما را توسعه می‌دهم. انسانی که از دیگران تشکر کند، خود، بزرگ می‌شود و در جان دیگران، عظمت و شکوه می‌یابد.

به بیان *المیزان*، آیه شریفه، مطلق است و نمی‌توان آن را به وعده و وعیدهای دنیوی یا آخرتی محدود کرد. (طباطبایی، ۱۲، ۲۹ و ۳۰).

دوم؛ بهره‌مندی از حاصل و نتیجه آن است. خداوند عزیز می‌فرماید: (وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ) (نمل: ۴۰)؛ زیرا شکرگزاری، به بهبود سطح روابط انسانی و گسترش اعتماد و احساس امنیت عمومی منجر می‌شود. انسان شکرگزار، از هرگونه بداخلاقی مانند توهین، تحقیر و ... مبرا است و در استفاده از نعمت‌های مادی و معنوی، اعتدال پیشه می‌کند.

یکی از آثار شکرگزاری، انسان شاکر، منشأ همه نعمت‌های مادی و معنوی عالم را از لطف و عنایت حضرت حق می‌داند و همیشه نسبت به او قدردان است و هرگز به



می‌کردند و مطالب آن‌ها را تحریف نمی‌نمودند، از آسمان، روزی می‌خوردند و باران رحمت حق بر آن‌ها می‌بارید. زمین نیز خیر و برکت خود را برای آن‌ها آشکار می‌کرد. (مائده: ۶۶).

امام مجتبی ۷ فرمود: اگر مردم، سخن خدا و پیامبرش را می‌شنیدند، آسمان بارانش را و زمین برکتش را به آنان می‌بخشید و هرگز در این امت، اختلاف و زدو خورد پیش نمی‌آمد و همه مردم تا روز قیامت، از نعمت سرسبزی دنیا برخوردار می‌شدند. (طوسی، ۱۴۱۴، ۵۶۶).

امام حسین ۷ فرمود: عصر ظهور که دوران تحقق راستین رویکرد مردم به دستوره‌های خداوند است، همه نعمت‌های خداوند به مردم روی می‌آورد. (حلی، ۵۱).

## ۲. عوامل برکت‌افزایی در روایت‌ها

برخی عامل برکت و بهینه‌سازی در روایت‌های پیشوایان دین عبارت‌اند از:

### ۲-۱- عمل درونی

به گزارش پیشوایان دین، نوع تعامل درونی انسان با برخی پدیده‌ها، موجب تعالی و تکامل او و بهبود بهره‌گیری از امور خواهد شد. دانش روان‌شناسی نیز، مثبت‌اندیشی را عامل کاهش تنش‌ها و تسریع امور دانسته است.

۲-۱-۱- رسول اعظم <sup>۹</sup>، علاقه به امور نیک و افراد نیکوکار (متقی هندی، حدیث ۱۵۹۷۴) و رضایت به روزیِ مقدّر را عامل برکت آن دانسته است. (طبرسی، ۱۳۹۰، ۳۴۲).

شایان یادآوری است که منظور از رضایت به روزی، عدم کوشش برای وسعت رزق نیست، بلکه مراد آن است که انسان برای افزایش روزی خود، به کارهای خلاف مانند حيله‌گری، تقلب و ... روی نیاورد.

۲-۱-۲- رسول خدا <sup>۹</sup> فرزند دختر را عامل برکت و از مصداق‌های باقیات صالحات





## ۲-۲-۱- تعامل پسندیده با دیگران

یکی از عوامل مهم رشد و تکاپوی زندگی فردی و اجتماعی، تعامل مطلوب، انگیزشی، هدفدار و تکریم شخصیت دیگران است. اهمیت خدمت به هم‌نوع و تلاش برای حل مشکلات و رفع نگرانی‌های او، به اندازه‌ای مهم است که در ادبیات ما به عنوان عبادت محسوب شده است؛ چنان سعدی گفته: «عبادت به جز خدمت خلق نیست / به تسبیح و سجاده و دلخ نیست». گرچه از نظراهل بیت این سخن مقتضای شعرو شرک‌آلود است، ولی بخش مهمی از عبادت در خدمت به مردم، رفع نیازهای مادی و معنوی و هموار کردن زمینه تعالی و هدایت آنان است.

شهید مطهری سخن سعدی را انتقاد مبالغه‌آمیز از برخی متصوّفه می‌داند (همو، ۲۳، ۲۸۰). در منطق قرآن ایشار یکی از باشکوه‌ترین مظاهرا انسانیت، بسیار ستوده است. خداوند درباره انصار که مهاجرین را بر خود، مقدم می‌داشتند، می‌فرماید: (وَيُؤْتُونَ عَلٰی اَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ) (حشر: ۹). براین اساس خدمت به مردم، در برکت و بهره‌وری بهینه از ثمرات زندگی، نقش مهمی دارد. برخی از مواردی که در روایات به عنوان روش‌های بهبود رابطه با مردم مطرح شده، عبارت‌اند از:

## ۲-۲-۶- راست‌گویی (حرانی، ۱۴۰۴، ۱۴)

راست‌گویی، نقش بسیار مهمی در اصلاح روند و رشد روابط اجتماعی دارد. انسانی که با خود صادق باشد، با دیگران نیز روابطی شفاف و به‌دور از ابهام و پیچیدگی، ایجاد می‌کند و مسیر همواری برای تکاپوی فرد و جامعه فراهم می‌آورد. خداوند فرمود: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ) (توبه: ۱۱۹)، یعنی کمال ایمان و نهایت پارسایی را باید در همراهی با انسان صادق جست (نک: طباطبایی، ۹، ۴۰۴) و در روایات ائمه معصومین: مصداق آتم و اکمل راست‌گویان معرفی شده‌اند. (طبرسی، ۱۴۰۳، ۲، ۳۸۰).



دستورهای آیه شصت و یکم سوره نور عمل شود، هیچ مسلمانی نباید، گرسنه بماند و ...  
۲-۲-۴- عدالت، امام صادق<sup>7</sup>، تحقق عدالت را رکن اساسی برکت و فزونی  
نعمت خداوند دانسته و فرموده است: «اگر در میان مردم عدالت برقرار شود، همه بی نیاز  
می شوند و به اذن خداوند متعال، آسمان، روزی خود را فرو می فرستد و زمین برکت  
خویش را بیرون می ریزد. (کلینی، ۳، ۵۶۸).

شایان یادآوری است که عدالت به معنای تساوی نیست، بلکه بهره مندی هرکس به  
تناسب ظرفیت و تلاش اوست و اینکه برخلاف مشهور جوامع انسانی، عدالت منحصر به  
ثروت نیست، بلکه باید دامنه آن بر قدرت، فرصت، قضاوت و ... نیز پرتو افکند تا در پرتو  
نظام حکیمانه و عادلانه خداوند، همه نیروهای نهفته مادی و معنوی را فعلیت بخشد و  
زمینه بالاترین مرتبه تعالی انسان را که عبودیت خداوند است، هموار کند.

۲-۲-۵- مشورت نیز از عوامل برکت زاست. امام کاظم<sup>7</sup> فرمود: مشورت با انسان  
عاقلی خیرخواه، موجب خجستگی، برکت، رشد و توفیقی از سوی خداست. (حرانی،  
۳۹۸).

### ۲-۳- محیط زیست

مراقبت از محیط زیست، علاوه بر آنکه وظیفه ای انسانی و اخلاقی است، زمینه  
بهره وری از سرمایه های طبیعت را افزونی می بخشد. یکی از دشواری های امروز جهان،  
مواجهه با قهر طبیعت است. آلودگی هوا، آلودگی صوتی، کمبود آب و ... که عرصه را برای  
تنگ کرده، نتیجه برخورد بی رحمانه او با طبیعت است. قرآن کریم، نوع برخورد انسان با  
پدیده های طبیعت را زمینه آزمون وی شناسانده است. (کشف: ۷).

امام صادق<sup>7</sup> فرمود: «زندگی فقط در پرتو هوای پاکیزه، آب گوارای فراوان و زمین  
حاصلخیز، لذت بخش و گوارا می شود». (حرانی، ۳۲۰).

از این رو مراقبت از محیط زیست و حفظ آن از آسیب ها و تلاش برای گسترش آن،  
موجب افزایش برکت سلامت، امنیت تغذیه و برخورداری از آب سالم است.

## ۲-۴- مشاغل

برخی از مشاغل نیز موجب بهره‌وری و بهینه‌سازی زندگی انسان می‌شوند. رسول اعظم <sup>۹</sup> فرمود: چون خداوند، وسایل زندگی مردم را آفرید، برکت را در کشاورزی و گوسفندداری قرار داد. (متقی هندی، ح ۹۳۵۴)، زیرا رشد کشاورزی و دام‌داری علاوه بر آنکه بر نشاط و شادابی طبیعت می‌افزاید و نقش مهمی در پاک‌سازی هوا دارد، نیازهای اساسی انسان را تأمین و استقلال و آزادی او را تضمین می‌کند. جواهر لعل نهرو در پرتو چنین بینشی که از زندگی پیشوایان دین الهام گرفته بود، آزادی هندوستان را رقم زد.

## ۲-۵- زمان‌ها

بر اساس آموزه‌های قرآن و رهنمود پیشوایان دین، برخی از زمان‌ها، دارای ویژگی معنوی و قدرت زاینده‌گی هستند. برجسته‌ترین این زمان‌ها، ماه رمضان، ماه خداست. رسول اعظم <sup>۹</sup> فرمود: رمضان، ماهی است که خداوند در آن حسنات را می‌افزاید و گناهان را پاک می‌کند و آن ماه برکت است. (مجلسی، ۹۶، ۳۴۰).

با توجه به اینکه همه ایام از آن خداست، تعبیر ایام الله در قرآن، حکایت از امتیاز ویژه برخی ایام دارد و نقش ایام خاص و برجسته در تربیت نفس و زمینه‌سازی برای موعظه‌پذیری انسان، قابل تأمل است.

امام خمینی <sup>۱۰</sup> فرمود: «ذَكَرَهُمْ بِآيَامِ اللَّهِ؛ «ایام الله» را در ذکر مردم وارد کن. یادتان نرود این ایام بزرگی که بر ملت ما گذشت، و «ایام الله» بود؛ مثل «پانزده خرداد»؛ مثل «۱۷ شهریور». (همو، ۹، ۱۳۶۴، ۴۶۶)، و فرمود: «درود بر عاشورا، درود بر پانزده خرداد و ۲۲ بهمن، درود برایام الله» (همو، ۱۴، ۴۰۵).

## ۲-۶- مکان‌ها

مکان‌ها نیز می‌توانند زمینه بهره‌وری و بهبود نتیجه امور را رقم بزنند. در آموزه‌های قرآن و روایات، برخی مکان‌ها دارای منزلتی قویم و تأثیرگذار هستند؛ مانند خانه کعبه که خداوند آن را جایگاه پربرکت و خجسته خواند و فرمود: (إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي

بَيْكَةً مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ) (آل عمران: ۹۶).

مرقد همه پیامبران، پیشوایان دین و اولیای خداوند، به ویژه مزار مطهر امام حسین <sup>۷</sup>، برکت آفرین و خجسته است. امام صادق <sup>۷</sup> فرمود: تاده میل اطراف قبر حسین بن علی <sup>۷</sup> برکت دارد. (مجلسی، ۱۰۱، ۱۱۶)؛ زیارت آن بزرگوار نیز برکت آفرین است. (ابن قولویه، ۲۸۶).

همچنین در احادیث، اموری چون پذیرش ولایت علی <sup>۷</sup> (کلینی، ۱، ۳۰۰)، اطاعت و رضایت خدا (همان، ۳، ۳۷۷)، صله رحم (همان، ص ۲۲۳)، خوش رفتاری با مردم (همان، ص ۱۸۲)، ذکر نام‌های خداوند (حرعاملی، ۲، ۴۲۵) و ... برکت‌آور شناسانده شده‌اند.

### ۳. عوامل برکت‌زدایی

آموزه‌های آیات و روایات نشان می‌دهد که اموری چون: تکذیب انبیا (اعراف، ۹۶)؛ روی‌گردانی از یاد خدا (طه: ۱۲۴)؛ ترک نماز (آشتیانی، ۲، ۴۵۰)؛ کفران نعمت‌ها (ابراهیم: ۷)؛ کاشانی، ۵، ۱۲۴)؛ کم‌فروشی (صدوق، بی‌تا، ۲، ۵۸۴)؛ عدم پرداخت زکات (صدوق، ۱۴۰۰، ۱، ۳۸) و خیانت (یزدی و انصاری، ۵۳۸) موجب سلب نعمت می‌شوند.

### نتیجه‌گیری

بر اساس سنت‌های الهی، انسان علاوه بر برخورداری از توانایی‌های نهفته خود، و سایر پدیده‌های هستی، می‌تواند از عامل فزونی و برکت نیز بهره‌مند شود. استفاده بهینه از سرمایه‌های مادی و معنوی و بهره‌وری کامل از داده‌ها، در صورتی میسر است که انسان با نیروی معنوی نهفته در نظام هستی هم‌آوا شود. رویکرد به ایمان، پارسایی، استغفار، شکرگزاری و حسن رفتار با دیگران موجب افزایش بهره‌وری و برکت زندگی انسان است و

دروغ انگاشتن انبیای الهی، روی گردانی از عبادت به ویژه نماز، خیانت و ... خیر و برکت را از زندگی انسان سلب می کند. پس انسان با اختیار و انتخاب خود، می تواند با استمداد از آموزه های خداوند و پیشوایان دین، بربرکت سرمایه های مادی و معنوی موجود در نظام هستی بیفزاید.

## منابع:

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *خصال*، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
۳. \_\_\_\_\_، *امالی*، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۰.
۴. \_\_\_\_\_، *علل الشرایع*، قم، داوری، بی تا.
۵. \_\_\_\_\_، *عیون اخبار الرضا*، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸.
۶. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت، دارالکتاب العربی، اول، ۱۴۲۲ ق.
۷. ابن قولویه، جعفر بن محمد، *جامع الزیارات*، نجف، مرتضوی، ۱۳۵۶.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، سوم، ۱۴۱۴ ق.
۹. آشتیانی، میرزا احمد، *ظرائف الحکم*، تهران، کتابخانه صدوق، ۱۳۶۲.
۱۰. آلوسی، سید محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۵ ق.
۱۱. بیهقی، حسین بن علی، *السنن الکبری*، بیروت، دارالفکر، ۱۳۷۷.
۱۲. پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحه*، تهران، دنیای دانش، چهارم، ۱۳۸۲.
۱۳. حرانی، حسن بن علی ابن شعبه، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین، اول، ۱۴۰۴.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*: قم، مؤسسه آل البيت، اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۵. حلی، حسن بن سلیمان، *مختصر بصائر الدرجات*، قم، نشر اسلامی، ۱۴۲۱.
۱۶. حویزی، عبد علی بن جمعة العروسی، *نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان، چهارم، ۱۴۱۵ ق.
۱۷. [امام] خمینی، روح الله، *صحیفه نور*، ۱۳۶۷، تهران، دفتر نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره).
۱۸. دیلمی، حسن بن محمد، *ارشاد القلوب*، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲.
۱۹. راغب، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، دارالعلم الدار الشامیه، دمشق، اول، ۱۴۱۲ هـ. ق.
۲۰. شعیری، محمد بن محمد، *جامع الاخبار*، نجف، مطبعه حیدریه، بی تا.

۲۱. صابری یزدی، علی رضا و انصاری، محمدرضا، **الحکم الزاهره**، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۲۲. طباطبایی، محمدحسین، **تفسیر المیزان**؛ مترجم: موسوی همدانی، سید محمدباقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران، فراهانی، اول، ۱۳۶۰ ش.
۲۴. \_\_\_\_\_، **إعلام الوری**، تهران، اسلامیة، ۱۳۹۰.
۲۵. \_\_\_\_\_، **الاحتجاج علی أهل اللجاج**، مشهد، نشر مرتضی، اول، ۱۴۰۳ ق.
۲۶. طریحی، فخرالدین، **مجمع البحرین**، تهران، کتاب فروشی مرتضوی، سوم، ۱۳۷۵.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن، **تهذیب الاحکام**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
۲۸. \_\_\_\_\_، **امالی**، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴.
۲۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العین**، قم، هجرت، دوم، ۱۴۱۰ ق.
۳۰. کاشانی، ملافتح الله، **تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین**، تهران، کتاب فروشی محمد حسن علمی، ۱۳۳۶ ش.
۳۱. کراجکی، محمد بن علی، **کنز الفوائد**، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۰.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۳۳. متقی هندی، علاءالدین، **کنز العمال**، بیروت، مدرسة الرساله، ۱۴۰۱.
۳۴. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۳۵. مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۳۶. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، قم، صدرا، ۱۳۶۴.
۳۷. مقاتل بن سلیمان بلخی، **تفسیر مقاتل بن سلیمان**، بیروت، دار احیاء التراث، اول، ۱۴۲۳ ق.
۳۸. نوری، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل**، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸.





## پیشینه تحقیق

توجه به استشهادات منابع نخستین اسلامی از مباحثی است که کمتر مورد عنایت پژوهشگران حوزه علوم انسانی واقع شده است. البته در این زمینه پژوهش‌هایی نیز به شرح ذیل صورت پذیرفته است:

- پایان‌نامه «استشهادات شعری در منابع نخستین اسلامی از آغاز دوره اسلامی تا پایان عصر دوم عباسی (۲۳۲-۳۳۴ هـ.ق)»، نویسنده: خانم جمیله عباسی، استاد راهنما: دکتر بهرام امانی، دانشگاه زنجان، گروه الهیات.

- پایان‌نامه «بررسی استشهادات قرآنی سیبویه»، نویسنده: آقای نورمحمد خسروی، استاد راهنما: دکتر مهدی خرمی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی - دانشگاه تربیت معلم - سبزوار.

- پایان‌نامه «بررسی استشهاد به آیات در احتجاجات معصومین<sup>ع</sup>»، نویسنده: خانم سمیه اهورکی، استاد راهنما: دکتر نصرت نیل ساز، دانشکده علوم انسانی - دانشگاه تربیت مدرس.

- مقاله «نگاهی ادبی به استشهادات غیر مستقیم ائمه به قرآن»، نصرت نیل ساز و سمیه اهورکی، مجله علمی - پژوهشی پژوهش‌های ادبی قرآنی، دانشگاه اراک، سال اول، شماره دوم.

در جستجوی انجام گرفته، معلوم شد که در خصوص استشهادات قرآنی و حدیثی در معجم‌العین، پژوهش مشابهی تاکنون صورت نگرفته است.

## مقدمه

از آغاز قرن دوم هجری قمری، با رفع ممنوعیت کتابت حدیث و تفسیر قرآن از سوی

















جدول (۱) - پراکندگی استشهدات قرآنی کتاب العین به تفکیک سوره های قرآن کریم

تعداد شواهد آیات	نام سوره	تعداد شواهد آیات	نام سوره	تعداد شواهد آیات	نام سوره	تعداد شواهد آیات	نام سوره	تعداد شواهد آیات	نام سوره	تعداد شواهد آیات	نام سوره
۱	القارعه	۳	تکویر	۱	صف	۵	فصلت	۱۱	انبیاء	۱	حمد
۰	تکائر	۲	انفطار	۱	جمعه	۲	شوری	۱۶	حج	۴۳	بقره
۰	عصر	۲	مطففین	۰	منافقون	۱۰	زخرف	۸	مومنون	۱۶	آل عمران
۱	همزة	۳	انشقاق	۰	تغابن	۲	دخان	۹	نور	۱۷	نساء
۱	الفیل	۱	بروج	۱	طلاق	۰	جاثیه	۸	فرقان	۱۵	مائده
۱	قریش	۶	طارق	۰	تحریم	۱	احقاف	۱۵	شعراء	۱۶	انعام
۱	ماعون	۰	أعلى	۱	ملک	۲	محمد	۷	نمل	۲۶	اعراف
۲	کوثر	۲	غاشیة	۷	قلم	۱	فتح	۱۱	قصص	۱۳	انفال
۰	کافرون	۲	فجر	۵	الحاقه	۳	حجرات	۱	عنکبوت	۱۸	توبه
۰	نصر	۶	بلد	۹	معارج	۶	ق	۲	روم	۱۳	یونس
۱	مسد	۰	شمس	۶	نوح	۴	الذاریات	۴	لقمان	۷	هود
۲	اخلاص	۰	لیل	۵	جن	۷	طور	۳	سجده	۲۳	یوسف
۱	فلق	۳	ضحی	۵	مزمل	۸	نجم	۵	احزاب	۷	رعد
۱	ناس	۰	انشراح	۸	مدثر	۶	قمر	۸	سبا	۴	ابراهیم
		۰	تین	۶	قیامة	۱۴	رحمن	۳	فاطر	۷	حجر
		۴	علق	۳	انسان	۱۰	واقعه	۸	یس	۸	نحل
		۱	قدر	۳	مرسلات	۲	حدید	۱۷	صافات	۲۱	اسراء
		۱	بینة	۵	نبا	۱	مجادله	۱۴	ص	۱۸	کهف
		۱	زلزال	۳	نازعات	۱	حشر	۶	زمر	۱۲	مریم
		۱	عادیات	۳	عبس	۰	ممتحنه	۴	غافر	۲۶	طه





با مطالعه کتاب‌های نخستین نحوی، مثل *الکتاب* سیبویه و معاجم نخستین عربی، مانند *العین* خلیل بن احمد می‌توان دریافت که استفاده از احادیث در مسئله استشهاد کم و بیش وجود داشت. در آثار سیبویه، فراء نحوی و نیز در آثار خلیل بن احمد و سایر معجم‌نگاران تابع او، استشهاد به حدیث وجود دارد. فراهیدی در کتاب *العین* خود به بیش از ۴۷۰ حدیث استناد نموده است. مؤلف در هر باب، ریشه لغتی را که در حدیث به کار رفته ذکر کرده و سپس حدیث یا سخن صحابی یا تابعی را بیان نموده و به شرح لغت مورد نظر می‌پردازد. این احادیث مجموعه‌ای از معارف اسلامی با مضامین مختلف، مانند احکام فردی، فقه و حدود الهی، سنت پیامبر<sup>ﷺ</sup>، توصیه‌های اخلاقی، تفسیر آیات قرآن کریم، اشاره به پاره‌ای از وقایع تاریخی صدر اسلام را شامل می‌شوند. به‌رغم اینکه سلسله روایان حدیث در بیش از نیمی از این روایات حذف گردیده، اما جایگاه احادیث نبوی در میان سایر احادیث ممتاز و مشهود است.

بدین سان پس از استشهادات قرآنی، استشهاد به حدیث کاربرد بیشتری دارد. فراوانی میزان استشهاد به حدیث در نمودارهای «ج» و «ه» به روشنی بیان شده است. نمودار «د» بیانگر آن است که بسیاری از احادیث بدون ذکر سند در این کتاب وارد شده است. ابن منظور که بعدها به تدوین معجم *لسان العرب* دست زد مرجع بسیاری از این احادیث را مشخص کرده که غالباً به خلفای راشدین برمی‌گردد. در واقع می‌توان گفت احادیث در کتاب *العین* به دو صورت وارد شده است: ۱- با ذکر مرجع که غالباً مربوط به پیامبر<sup>ﷺ</sup> و خلفای راشدین است و ۲- بدون ذکر مرجع که بیشترین احادیث را شامل می‌شود و غالباً به شکل «ومن الحدیث...» و «وفي الحدیث...» آمده است. برای بیان چگونگی یاد کرد حدیث در این کتاب به ذکر نمونه‌های ذیل بسنده می‌کنیم:

خلیل در شرح واژه «العج» می‌گوید: «العج: رفع الصوت» و عن النبی<sup>ﷺ</sup> «أفضل الحج العجّ والثلج»؛<sup>۱</sup> بهترین حج بالا نمودن صدا به لبیک گفتن و ریختن خون حیوان

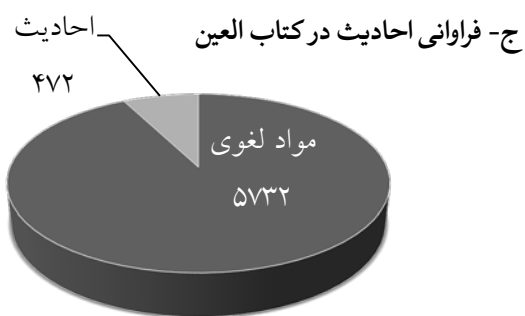
سوم، شماره ۳، ص ۱۹۹.

۱. الفراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، ج ۱، ص ۶۷.

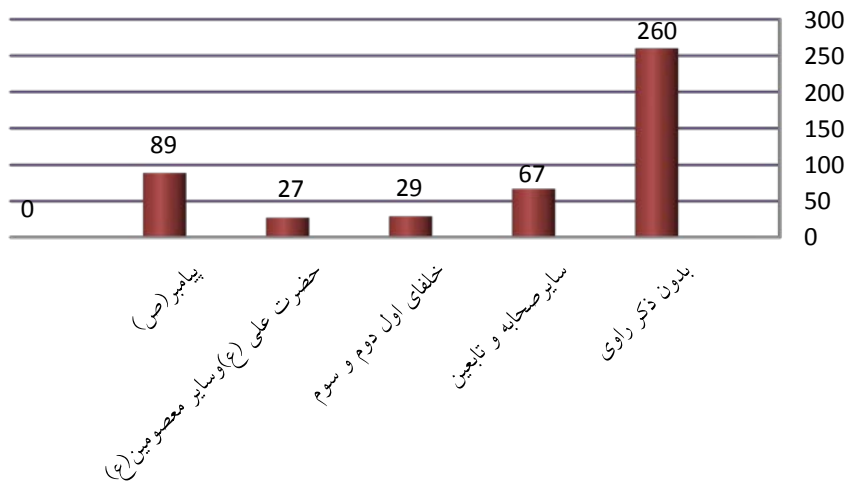


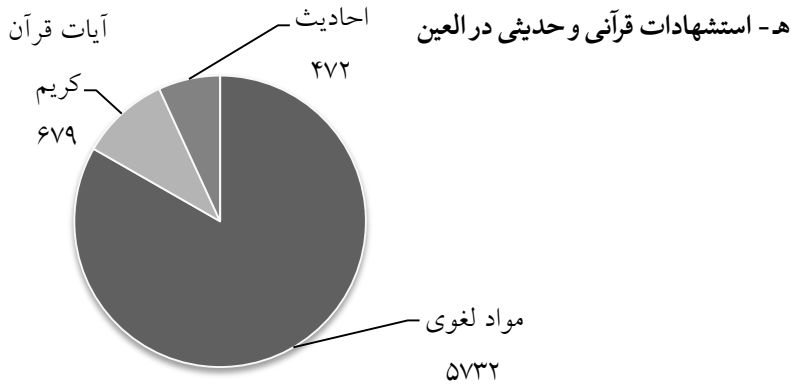
غرب مردی را بجوید که جدش پیامبر ۹ باشد، غیر از من را نمی یابید. و من نمی دانم شاید این آزمایشی برای شما و بهره مندی اندکی تا مدتی معین است، و با دستش به معاویه اشاره نمود.

همان گونه که ملاحظه شد، خلیل بن احمد احادیث فراوانی را برای شرح واژگان روایت می کند. گاهی مرجع حدیث را مشخص نموده و گاهی نیز تنها به ذکر حدیث بسنده می کند. او با به کارگیری احادیث در شرح واژگان کتاب العین زمینه را برای توسعه احادیث در معجم نگاری پس از خود فراهم کرد و توانست علم حدیث را به فقه اللغة نزدیک نماید.



د- فراوانی احادیث کتاب العین از نظر راویان





### نتیجه

- از مجموعه مباحث مطرح شده در این پژوهش چنین استفاده می‌شود؛
۱. نگارش اولین معجم لغوی در سایه قرآن و حدیث صورت گرفته و خلیل بن احمد، به طور مشهود در معنای واژه‌ها تحت تأثیر کاربردهای قرآن و حدیث بوده است. این مطلب نشان دهنده آن است که شناخت لغت از آن منظر که وسیله فهم قرآن و حدیث بوده مورد عنایت دانشمندان اسلامی قرار گرفته است.
  ۲. استنادات متعدد و شواهد قرآنی بسیار در کتاب *العین*، توجه مؤلف به قرائت‌های مختلف قرآن کریم و بیان تفسیر گونه ذیل بعضی از شواهد آیات، بر احاطه علمی و آگاهی خلیل از آرای مفسران، علم قرائت و ... دلالت دارد. و در نتیجه پیوند متقابل قرآن و علم لغت بیش از پیش آشکار می‌گردد.
  ۳. به کارگیری بیش از ۴۷۰ حدیث در متن کتاب *العین* توسط دانشمندی که به گواهی منابع تاریخی در علوم نحو و لغت مقام استادی داشته است، او را در زمره قائلان استناد به احادیث قرار می‌دهد. بدیهی است اقوال ایشان - که خود از راویان حدیث بوده‌اند - به همین علت، همواره مورد احتجاج سایر لغویان بوده است.



۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، انتشارات اسوه.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵ش.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع - دار صادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۴. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ترجمه محمد رضا تجدد، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۸۱ش.
۵. الأمين، حسن، اعیان الشیعه، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة وصحاح العربية؛ تحقیق: احمد عبدالغفور، عطار، ناشر: دارالعلم للملایین، بیروت، چاپ چهارم، ۱۹۹۰م.
۷. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، تصحیح و تحقیق علی، هلالی و سیری، علی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۸. دائرة المعارف تشیع، زیر نظر سید جوادی - فانی - خرمشاهی، شهید محبی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۳ش.
۹. خضر حسین، محمد، «الاستشهاد بالحديث في اللغة»، ترجمه حسین علینقیان، مجله مجمع اللغة العربية الملكية، مجلد سوم، شماره ۳، ص ۱۹۷-۲۱۰، قاهره.
۱۰. دل افکار، علیرضا و مجید معارف، «نقش قرآن در پایه گذاری علم لغت»، مجله پژوهشهای قرآن و حدیث، سال چهل و سوم، شماره ۲، پاییز زمستان، صفحه ۵۵-۷۳.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، زیر نظر دکتر محمد معین، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷ش.
۱۲. السیوطی، الاقتراح فی علم النحو، هند، حیدرآباد الدکن، ۱۳۵۹ق.
۱۳. طباطبایی، محمد کاظم، آشنایی با تاریخ و منابع حدیث، مرکز نشر هاجر، قم، ۱۳۸۵ش.
۱۴. عبد الباقي، الضاحط، لغة تمییم دراسة تاريخية وصفية، القاهرة، الهيئة العامة لشؤون المطابع الأميرية، ۱۴۰۵ق.
۱۵. عبد الباقي، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، دارالکتب المصرية، القاهرة، ۱۳۹۷ق.
۱۶. عبد التواب، رمضان، مباحثی در فقه اللغة و زبان شناسی عربی، ترجمه حمیدرضا شیخی، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷ش.
۱۷. الفراء، معانی القرآن، تحقیق شیخ محمد علی النجار، القاهرة، ۱۹۷۲م.
۱۸. الفراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق دکتر مهدی المخزومی و دکتر

- ابراهیم السامرئی، دارالهجرة، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۱۹. مدیرشانه چی، کاظم، تاریخ حدیث، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۲ش.
۲۰. میرجلیلی، علی محمد، تأثیر قرآن در پیدایش و پیشرفت علوم ادبی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹ش.
۲۱. یعقوب، امیل، پیدایش و تکامل واژه نامه‌های عربی-عربی، ترجمه احسان اسماعیلی طاهری، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، نشر علم و ادب، ۱۳۸۱ش.



## درآمد

مأمون عباسی با انتصاب حضرت رضا<sup>7</sup> به ولایتعهدی، با خشم عباسیان بغداد روبه‌رو گردید. وی به‌رغم آنکه می‌توانست برای خلاصی از مکر و حیلۀ عباسیان، فضل بن سهل را از وزارت برکنار کند و امام را نیز از ولایتعهدی بردارد، ولی از این کار سرباز زد و در راه بازگشت به بغداد، ابتدا فضل را در حمام سرخس کشت و سپس امام را در آخر صفر ۲۰۳ق در توس به شهادت رساند. همان‌طور که درباره جزئیات نحوه شهادت حضرت رضا<sup>7</sup> در بین منابع اختلاف نظر وجود دارد، در خصوص جزئیات و حواشی مراسم تشییع و تدفین بدن مطهر آن امام نیز اخبار و روایات متعدد و گاه متناقضی وجود دارد، که نظر واحدی را به خواننده ارائه نمی‌کند. بررسی متون تاریخی، منابع حدیثی و نظریات محققان معاصر می‌تواند به برخی سؤالات و ابهامات پیرامون این حادثه پاسخ دهد که در این مختصر به آن پرداخته شده است.

## الف - متون تاریخی

در میان منابع تاریخی مهم‌ترین و معتبرترین گزارش در خصوص تشییع پیکر حضرت رضا<sup>7</sup> متعلق به احمد بن اسحاق یعقوبی (م ۲۹۲ق)، مورخ برجسته شیعی است. او جزئیات این واقعه را از زبان فردی به نام «ابی الحسن بن ابی عباد» در کتاب تاریخ خود بازگو می‌کند. وی می‌نویسد: «ابی الحسن بن ابی عباد گفت: در تشییع جنازه رضا<sup>7</sup> مأمون را دیدم که قبایی سفید در برداشت و سربرهنه میان دو قائمۀ نعش پیاده می‌رفت و می‌گفت: ای ابوالحسن پس از تو، به که دل خوش باشم و سه روز نزد قبرش اقامت گزید و هر روز قرصی نان و مقداری نمک برای او می‌آوردند و خوراکش همان بود. سپس در روز























حدیثی شیعه وجود دارد، اعتماد نماییم.

براین اساس نتیجه می‌گیریم که پس از شهادت حضرت رضا 7 توسط مأمون، وی برای اینکه خود را از تهمت قتل آن حضرت مبرا کند، پس از آنکه جنازه سالم آن حضرت را به عموو خویشاوندانش نشان داد، مراسم تشییع و تدفین آن امام را با شکوه و عظمت هرچه بیشتر برگزار کرد و خود بر تمام مراحل برگزاری این مراسم نظارت داشت و به ظاهر بر بدن آن امام نماز خواند و در سمت قبله قبر پدرش، ایشان را دفن کرد و برای تکمیل ریاکاری خود، سه روز بر سر مرقد آن حضرت به عزاداری نشست.

## منابع

1. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، *عیون اخبار الرضا*، ترجمه محمد رضا مستفید و علی اکبر غفاری، نشر صدوق، ۱۳۷۲ ش.
2. ابن اثیر، عزالدین علی، *الکامل فی التاریخ*، تحقیق علی شیری، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
3. ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی، *المنتظم فی تاریخ الامم والملوک*، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
4. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب*، المكتبة الحیدریه، نجف، ۱۳۷۶ ق.
5. ابن کثیر دمشقی، ابی الفداء حافظ، *البدایة والنهاية*، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۶ ق.
6. ابی الفداء، عمادالدین اسماعیل، *المختصر فی اخبار البشر*، دارالمعرفة للطباعة والنشر، بیروت، بی تا.
7. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمّة*، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
8. اصفهانی، ابوالفرج، *مقاتل الطالبیین*، مكتبة الحیدریه، نجف، ۱۳۸۵ ق.
9. حسین بن عبدالوهاب، *عیون المعجزات*، مطبعة الحیدریه، نجف، ۱۳۶۹ ق.
10. حلی، حسن بن یوسف، *المستجد من الارشاد*، کتابخانه آیه الله مرعشی، قم، ۱۴۰۶ ق.
11. رضوی، دزفولی، سیداحمد، *زندگانی شمس الهدی حضرت علی بن موسی الرضا* 7، ناشر بهرام طاهریان، ۱۴۱۷ ق.
12. سبط بن جوزی، *تذکرة الخواص*، ذوی القربی، قم، ۱۴۲۷ ق.
13. طبرسی، احمد بن علی، *اعلام الوری*، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۷ ق.
14. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الامم والملوک*، مطبعة الاستقامة، قاهره، ۱۳۵۸ ق.

۱۵. طبری (الصغیر)، محمد بن جریر، *دلائل الامامة*، مؤسسه بعثه، قم، ۱۴۱۳ق.
۱۶. عطاردی، عزیزالله، *تاریخ آستان قدس رضوی*، عطارد، تهران، ۱۳۷۱ش.
۱۷. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، *روضه الواعظین*، تحقیق سید محمد مهدی سید حسن خراسان، الشریف الرضی، قم، بی تا.
۱۸. قرشی، باقر شریف، *پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا* 7، ترجمه سید محمد صالحی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۲ش.
۱۹. مسعودی، علی بن حسین، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۷ش.
۲۰. مفید، محمد بن محمد، *الارشاد*، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات علمیة اسلامیة، تهران، بی تا.
۲۱. یعقوبی، احمد بن اسحاق، *تاریخ یعقوبی*، دارالزهراء، قم، ۱۳۸۷ش.

خبری تحلیلی شهر، ۱۴ بهمن ۱۳۸۹؛ سایت <http://shahr.ir/fa/news>

، خبرگزاری شبستان، مورخه ۱۰/۲۱/۱۳۹۱؛ <http://shabestan.ir/NSite/FullStory/News>

، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۰/۲۳/۱۳۹۱؛ <http://www.irna.ir/fa/News>



---

## ABSTRACTS

---

### **An Analysis of Social Components of Lifestyle in Imam al-Riḍā (A.S.)'s Traditions**

*Dr. Sorayya Qutbi*  
*Dr. Asghar Hadavi*  
*Dr. Akbar Rahnama*  
*Fatemeh Baghani*

The present research is aimed at analyzing the social dimensions and components of lifestyle in Imam al- Riḍā (A.S.)'s traditions and the degree of attention paid to it. This research, on the one hand, holds an interdisciplinary approach between sociology and *ḥadīth* sciences and on the other is a scientific-religious research.

The research is of a fundamental type and with a descriptive-analytical method is of the content analysis type. As for the universals and theoretical principles, it has made use of documentary research procedure. The research society is textual and includes Imam al- Riḍā (A.S.)'s traditions in *Musnad al-Imām al- Riḍā (A.S.)*, which has been examined in a purposeful way and on the basis of the objectives and questions of the research.

The most significant findings of the research suggest that the social dimensions of lifestyle in Imam al- Riḍā (A.S.)'s traditions comprise of “association with others”, “providing social security”, “observing other people’s rights”, “state behavior”, “cognition of the concepts related to society” with an abundance of 313 themes of tradition, of which the most abundant is related to “association with others”.

**Keywords:** Imam al- Riḍā (A.S.), Islamic lifestyle, association with others, Imam al- Riḍā (A.S.)’s traditions.

## **Explanation of the Referent of “The Word” (*Al-Qawl*) in *Āya* , (So give good news to My servants who listen to the word [of Allah] and follow the best [sense] of it.) (Q. 39:17-18)**

*Hamid Reza Habibullahi*

In this article, with the interpretation of the Qur’ān through Qur’ān method, the meaning of the word (*al-qawl*) in *āya*, ﴿So give good news to My servants who listen to the word [of Allah] and follow the best [sense] of it.﴾ is studied and it is proved that *al* in *al-qawl* is a covenant *al* and *al-qawl* is the identified word between God and His Prophet that is this very Qur’ān and thus, this *āya* is intended to impart good tidings to and praising the listeners and followers of the best teachings of the Qur’ān; rather than praising the listeners of any words and the followers of the best of them.

**Keywords:** *al-qawl*, the best of words, guidance, those endowed with understanding (*ulū al-albāb*).

## **Art of Attention Shift and Presenting a Smooth Translation of *Āya* 22 of *Sūrat al-Yūnus***

*Dr. Muhammad Reza Haji Esma’ili*

Art of attention shift (*iltifāt*) is among the rhetorical figures and a subdivision of semantics of syntax (*‘Im al-ma’ānī*); as the change of pronouns is the most popular type of *iltifāt* in the Qur’ān. Because of many *iltifāts* occurred in it, *āya* 22 of *Sūrat al-Yūnus* is among the typical *āyas* of this kind. Interpreters have presented various opinions concerning the impact of this figure of speech on shifting attention from direct addressee to the addressee in

absence, of which the most outstanding theory in this respect can be known to be the humiliation of and turning away from the addressee. A group of translators of the Qur'ān have also translated the shift of attention into the target language (Persian) with the intention of preserving the exterior of the Qur'ān's text, which due to its contradiction with the structure of that language, an unintelligible translation has been provided. Furthermore, taking into consideration the duty of translation that is transferring messages in the most fluent ways possible, another group have prioritized the preservation of the target's language structure, turned all the pronouns of the *āya*, including the addressees and the addressees in absence, into direct addressees, and provided a fluent translation. After elucidating various viewpoints concerning redirecting attention shift in this *āya* with the assistance of stylistics of translation of text and the related principles turning them, this article has selected the second group.

**Keywords:** art of intention shift, translation of the Qur'ān, interpretation of the Qur'ān, *āya* 22 of *Sūrat al-Yūnus*.

## **Classification and Acceptance of Interiority of the Exegetical Traditions in the Words of the Imams (A.S.)**

*Mahdi Khoshduni*  
*Dr. Abdul Hadi Feqhizadeh*

The exegetical traditions have not all been at the same level and have different semantic aspects. Contemporary scholars have, through classification of these traditions, taken actions in removing their apparent contradictions and have considered a level of elucidation and explanation for the traditions issued by the Infallible Imam (A.S.). The infallible Imams (A.S.) have themselves pointed out to various levels of their traditions and asserted that as there are interiors for the Qur'ān, sometimes the exegetical traditions can also have interiors and various semantic levels that are expressed depending on the levels of the interiors of

the Qur'ān, the addressee's understanding, and the type of question. The present research has indicated that the Infallible Imams (A.S.) themselves have, in a general classification, divided the exegetical traditions into traditions of the interior interpretation and the exterior interpretation or esoteric interpretation (*ta'wīl*), and that in this view, the contradiction that exists in the exegetical traditions in this regard can be resolved.

**Keywords:** exegetical traditions, guidance of the Infallible Imams (A.S.), the exterior and the interior, esoteric interpretation.

## **Factors of Increasing Blessings in Human Life**

*Dr. Ali Akbar Shayesteh Nezhad*

*Muhammad Rashid Shaykh Ahmad*

Many hidden and manifest factors play a role for the human endeavors to bear fruit. One of the hidden factors that lead to the development and double increase of one's actions is the spiritual growth and its blessing (*baraka*). In the culture of the Qur'ān and traditions, the departing point of any movement, word, or idea, is its reliance on hidden and non-manifest phenomena. Among these factors is the blessing and increase of man's productivity. Through description and analysis of the content of the *āyās* and traditions, this writing has studied some factors of increasing blessing. The possibility of human enjoyment of assistance from the unseen world and the spirituality of the nature's order in the increase of productivity and improvement of one's state of affairs can be mentioned as among the significant findings of this research.

**Keywords:** increase of blessings, honesty, veracity, concept of blessing, factors of blessing, thanks giving.

## The Qur'ānic and *Ḥadīth* Attestations in the Book *Al-'Ayn*

*Bahram Amani Chakeli*  
*Sayyideh Layla Taqavi Sangdehi*  
*Afsaneh Kazemi Noori*

The early linguistic discourses of the Arabic language began with the motivation of recognizing the Holy Qur'ān's vocabulary; and the major factor in the emergence of Arabic lexicons has been the necessity for understanding the Holy Qur'ān and traditions with motivation of serving the Islam. The statistic and analytic study of this research indicates that Khalīl b. Aḥmad has attested to over 679 *āyas* in one hundred *sūras* of a collection of 5732 lexical items existing in his book. Besides referring to the Holy Qur'ān, Farāhidī has made reference to 470 traditions, particularly the Prophetic traditions, in this book. These traditions have incorporated such various themes as individual precepts, jurisprudence and Divine limits, the Prophet (S.A.W.)'s tradition, moral recommendations, interpretation of the verses of the Holy Qur'ān, and historical incidents. Interpretation of the Qur'ānic words, attention to various readings of the Qur'ān, difference of dialects, and narration of various traditions indicate that Khalīl b. Aḥmad has been a scholar familiar with the Qur'ānic sciences and *ḥadīth* and has been able to establish a strong bond between the Holy Qur'ān, traditions, and the Arabic linguistics.

**Keywords:** Qur'ānic attestations, *ḥadīth* attestations, Arabic linguistics, the book *Al-'Ayn*, Khalīl b. Aḥmad.

## The Funeral Procession and Burial Ceremony of the Purified Body of Imam al-Riḍā (A.S.)

Sayyid Hasan Husayni

This article tries to portray the events and incidents of Imam al-Riḍā (A.S.)'s martyrdom and the funeral and burial ceremonies of

his holiness in Tūs through historical and *ḥadīth* texts and to touch upon the Ma'mūn's role and his participation and management in all the stages of his holiness' funeral. Furthermore, it is intended to describe the magnificent execution of the ceremonies with the presence of people from different walks of life, including women, and finally his burial on the *qibla* side of Hārūn's grave along with the details of the happenings taken place as related by various narrators of this tradition, including Abāṣalt Hiravī, Muḥammad b. Jahm, Yāsir Khādim, and others. In conclusion, an analysis of the related traditions and a summing up of the various opinions and views is presented in this regard.

**Keywords:** Imam al-Riḍā (A.S.), funeral procession, Nowghān women, Ma'mūn, Tūs.